

بررسی تطبیقی فضای موسیقایی قصیده سعدی شیرازی و شمس‌الدین کوفی در رثای بغداد

حسن سرباز^{۱*}، داود گرگیچ زرین‌پور^۲

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه کردستان، کردستان، ایران
۲. کارشناس ارشد زبان و ادبیات عربی دانشگاه کردستان، کردستان، ایران

پذیرش: ۹۰/۲/۴

دریافت: ۸۹/۱۱/۹

چکیده

موسیقی یکی از عوامل مؤثر در شعر و ادبیات جهانی است؛ به‌ویژه اگر اثر شاعر از روی صدق باطن و انسان‌دوستی سروده شده باشد و دور از تکلف و تصنع و در عین حال سرشار از انواع مختلف افزاینده‌های موسیقایی باشد. سعدی شیرازی و شمس‌الدین کوفی با برگزیدن دو بحر طویل و کامل که بهترین قالب‌ها برای بیان احساسات قلبی انسان هستند و با به کار بردن انواع مختلف صنایع بدیعی از قبیل جناس، مراعات‌النظیر، تضاد و... و همچنین الفاظ و هجاهای آهنگین و متناسب با معنا و فضای موسیقایی قصیده، به آهنگین‌تر شدن قصاید خود بیش از پیش کمک کرده‌اند. فضای موسیقایی این دو قصیده بیانگر خفقان روزافزون و فضای سنگین دوران حمله مغول است. در این دو قصیده فضایی سراسر اضطراب، اندوه، سوز درونی، شدت و خشونت، موج می‌زند و این نکات را می‌توان در آهنگ تکتک حروف قصاید او دید. در کنار این محاسن، عرب‌نبودن شیخ شیراز و انحطاط حاکم بر جامعه عربی پس از حمله مغول، باعث بروز اشکالاتی مانند عیب اجازه و اصراف در موسیقی قصاید این دو شاعر گرانسنگ شده است.

در این پژوهش تلاش شده است که با روش کتابخانه‌ای و استفاده از شیوه تحلیل ساختار، فضای موسیقایی در دو قصیده سعدی شیرازی و شمس‌الدین کوفی مورد بررسی قرار گیرد.

واژگان کلیدی: موسیقی، مرثیه، بغداد، سعدی، شمس‌الدین کوفی.

Email: h.sarbaz@uok.ac.ir

* نویسنده مسئول مقاله:

آدرس مکاتبه: کردستان، سنندج، دانشگاه کردستان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه زبان و ادبیات عربی.



۱. مقدمه

از دیرباز تاکنون ارتباط نزدیکی میان شعر و وزن از یک سو و وزن و موسیقی از سوی دیگر وجود داشته است. این عوامل باعث شده تا ارتباط تنگاتنگ و جدایی ناپذیری میان شعر و موسیقی به وجود آید؛ به گونه‌ای که بعضی از ناقدان و نحله‌های مختلف ادبی مانند رمزگرایان^۱ را بر آن داشته تا بگویند: «شعر پیش و بیش از هر چیز موسیقی است» (نصار، ۱۴۲۱ ه.ق: ۳۳). بنابراین موسیقی بخشی از شعر است و به جرأت می‌توان آن را یکی از پایه‌های زیبایی‌شناسی در شعر به شمار آورد. عوامل زیادی در آهنگین‌شدن یک مصراع، یک بیت و یک قصیده نقش دارند. برخی از آن‌ها در حوزه موسیقی بیرونی، بعضی در حوزه موسیقی درونی و برخی دیگر در حوزه موسیقی کناری و معنوی می‌گنجند. بنابراین برای بررسی فضای موسیقایی یک قصیده ناگزیریم از پرداختن به این موارد بپردازیم.

۱-۱. سؤالات تحقیق

سؤالاتی که این پژوهش در صدد یافتن پاسخی برای آن‌ها است عبارت‌اند از:

- ۱) سعدی شیرازی و شمس‌الدین کوفی احساسات خود را درباره سقوط بغداد در چه قالبی بیان کرده‌اند؟
- ۲) موسیقی شعر به معنای عام آن، شامل موسیقی بیرونی، درونی، کناری و معنوی به چه صورت در قصیده سعدی^۲ و کوفی مورد استفاده قرار گرفته است؟
- ۳) افزاینده‌های موسیقایی چه نقشی در غنای موسیقایی این دو قصیده دارند؟

۱-۲. پیشینه تحقیق

درباره پیشینه این پژوهش، لازم به ذکر است که پس از مراجعه به شماره‌های متعدد مجلات علمی و پژوهشی مختلف و معتبر، به ویژه مجلات موجود در پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی^۳، هیچ مطلبی یافت نشد که کاملاً با موضوع مورد بحث همخوانی داشته باشد. اما درباره موسیقی در شعر شاعران دیگر مطالبی نگاشته شده است که از آن میان به

1. sambolism

2. sadi

3. www.sid.ir

تعدادی از آن‌ها اشاره می‌شود:

«تحلیل انتقادی بر موسیقی شعر خاقانی شروانی»، نوشته دکتر محسن ذوالفقاری، *مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، دوره هفدهم، شماره دوم، بهار ۱۳۸۱، پیاپی ۳۴.

«سمیح القاسم و موسیقی شعر عرب»، نوشته دکتر ابویسانی و دکتر علی‌اصغر باستانی، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*.

«نگاهی دیگر به موسیقی شعر و پیوند آن با موضوع تخیل و احساسات شاعرانه»، نوشته پرند فیاض‌منش، *دوفصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی*، دوره جدید، شماره چهارم، بهار و تابستان ۱۳۸۴.

«مضامین در حوزه آهنگ و موسیقی شعر فرخی سیستانی»، نوشته دکتر عباس کی‌منش، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*، تابستان و پاییز ۱۳۸۲.

«جاذبه‌های موسیقایی برخی مضامین خاقانی و پرتو آن در شاعران (مولوی، سعدی و حافظ)»، نوشته دکتر عباس کی‌منش، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*.
«بررسی موسیقی شعر رودکی»، نوشته دکتر حسین آقاحسینی و اسراءالسادات احمدی، *پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی*، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، دوره جدید، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۸.

«عناصر سبک‌ساز در موسیقی شعر فروغ فرخزاد»، نوشته دکتر حسین حسین‌پور آلاشتی و پروانه دلاور، *زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سیستان و بلوچستان*، سال ششم، بهار و تابستان ۱۳۸۷.
«موسیقی شعر فرخی سیستانی»، نوشته دکتر محمد بارانی، *زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سیستان و بلوچستان*، سال اول، پاییز و زمستان ۱۳۸۲.

۲. تعاریف

۲-۱. سعدی شیرازی و شمس‌الدین کوفی^۱

سعدی شیرازی، شاعر بزرگ قرن هفتم هجری، یکی از سرمایه‌های بی‌بدیل ادبیات جهانی

1. Shamsuddin Kufi



است که به دو زبان فارسی و عربی اشعاری ماندگار سروده و به این وسیله نام و یاد خود را بیش از پیش جاودانه کرده است.

سقوط بغداد و کشته شدن خلیفه عباسی، مستعصم بالله، در سال ۶۵۶ هـ. / ۱۲۵۸ م به دست هولاکو تأثیری عمیق و جانکاه بر روح و روان تمام مسلمانان بر جای گذاشت. این فاجعه هولناک، احساسات همگان، به ویژه شاعران را خدشه دار نمود و آن‌ها را به سرودن چندین مرثیه واداشت که در آن‌ها، به بیان احساس و غم و اندوه خود در قبال این مصیبت دردناک پرداختند (جمعی، ۱۳۸۳ هـ. ش: ۱۰۰).

سعدی نیز بسان شاعران معاصر خود قلبش از این فاجعه جریحه دار شد و با جادوی کلام از احساسات خود پرده برداشت. درواقع «دو قصیده فارسی و عربی وی که اندکی پس از اتمام نگارش گلستان و تقدیم آن‌ها به اتابک، در مرثیه خلیفه مستعصم^۱ سروده، حکایت از شور حمیت و غیرت مسلمانی او می‌کند» (محیط طباطبایی، ۱۳۶۴ هـ. ش: ۲۱۰).

سعدی قصد داشت تا احساسات همگان را درگیر این موضوع کند؛ بنابراین با زبان مشترک دینی شعر سرود و طی آن، گستره غم و اندوه خود را نسبت به مصیبتی که گریبان‌گیر خلافت اسلامی شده بود، به تصویر کشید (جمعی، ۱۳۸۳ هـ. ش: ۱۰۰). قصیده عربی سعدی در رثای مستعصم که می‌توان آن را یکی از طولانی‌ترین قصاید وی دانست، از ۹۲ بیت تشکیل شده است و با این مطلع آغاز می‌شود:

حَبَسْتُ بِجَفْنِي الْمَدَامَ لَا تَجْرِي فَلَمَّا طَغَى الْمَاءُ اسْتَطَالَ عَلَى السَّيْرِ

(سعدی، ۱۳۷۲ هـ. ش: ۶۴)

حال آن که قصیده فارسی وی متشکل از ۲۸ بیت است و با این بیت شروع می‌شود:

آسمان را حق بود گر خون بگیرد بر زمین بر زوال ملک مستعصم امیرالمؤمنین

(سعدی، ۱۳۸۵ هـ. ش: ۷۸۷)

گرچه محققان و ناقدان دوزبانه، قصیده فارسی شاعر را از قصیده عربی وی فصیح‌تر می‌دانند، اما قصیده عربی او را می‌توان از نظر عواطف مذهبی بلیغ‌تر دانست؛ به ویژه آنجا که گناه همراهی و همکاری اتابک ابوبکر با هولاکو در محاصره بغداد را بر وی خرده می‌گیرد (محیط طباطبایی، ۱۳۶۴ هـ. ش: ۲۱۰):

1. Mostasem

عَلَى الْمَرْءِ عَارُ كَثْرَةِ الْمَالِ بَعْدَهُ وَ إِنَّكَ يَا مَغْرُورٌ تَجْمَعُ لِلْفَخْرِ
عَفَا اللَّهُ عَنَّا مَا مَضَى مِنْ جَرِيْمَةٍ وَ مَنْ عَلَيْنَا بِالْجَمِيلِ مِنَ الصَّبْرِ

(سعدی، ۱۳۷۲ هـ. ش: ۸۲)

شمس‌الدین محمود بن احمد بن عبدالله کوفی، واعظ مشهور نیز کشتار بی‌رحمانه مغول^۱ را دید و اشک خون از چشمانش جاری شد (یوسف، ۲۰۰۳: ۳۹۳). وی این مصیبت جانکاه را به نظم درآورد و با همه وجود به مرثیه‌سرایی پرداخت. از او چند قصیده به یادگار مانده است که یکی از آن‌ها قصیده کافیه اوست که با این مطلع آغاز می‌شود:

بَانُوا وَلِي أَدْمُعُ فِي الْخَدِّ تَشْتَبِكُ وَلَوْعَةُ فِي مَجَالِ الصَّدْرِ تَعْتَرِكُ

کوفی دو قصیده نونیه نیز در این باره سروده است که مطلع آن‌ها از این قرار است:

حَنَّتِ النَّفْسُ إِلَى أَوْطَانِهَا وَإِلَى مَنْ بَانَ مِنْ خُلَانِهَا

و

إِنْ لَمْ تَقْرَحْ أَدْمُعِي أَجْفَانِي مِنْ بَعْدِ بَعْدِكُمْ فَمَا أَجْفَانِي

قصیده نونیه دوم این شاعر بیشتر از قصاید دیگر او شهرت دارد؛ تا جایی که ناقدان آن را همتای مرثیه ابن‌رومی، ابن‌زیدون و ابوالبقاء رندی دانسته‌اند (الایوبی، ۱۴۱۵: ۱۷۶-۱۷۷). مدار بحث نگارندگان در این نوشته حول قصیده عربی سعدی و نونیه مشهور شمس‌الدین کوفی است.

۲-۲. موسیقی^۲ شعر

طی دوران‌های مختلف تعریف‌های گوناگون و متعددی درباره معنا و مفهوم موسیقی ارائه شده است. شیخ آذری، صاحب «جواهرالأسرار» بر این باور است که این لفظ از زبان سریانی گرفته شده و آن را به این شکل معنا می‌کند: «مو» یعنی هوا و «سقی» یعنی گره؛ لذا موسیقی‌دان کسی است که به واسطه طراوت کار، گویی هوا را گره می‌زند (طهماسبی، ۱۳۸۰ هـ. ش: ۳۲). عبدالحمید لازقی نیز در رساله «زین‌الألحان فی علم التألیف و الأوزان» این لفظ را ترکیبی

1. mugul

2. music



یونانی پنداشته و می‌گوید: موسیقی از دو لفظ «موسی» و «قی» تشکیل شده است، که «موسی» به معنای نغمه و سرود و «قی» به معنای موزون و دلپسند است (همان). بنابراین موسیقی عبارت است از نغمه‌های موزون و دلپسند.

از سوی دیگر ادبیات که جولانگاه کلمات برای بیان مقاصد است، به دو بخش شعر و نثر تقسیم می‌شود.

شعر یا میزانی است که در آن رعایت کوتاهی و بلندی هجاها به عمل می‌آید و یا موزونی که با ضرب منطبق می‌گردد و یا هجایی می‌باشد و همین وزن و میزان که مبنای موسیقی به شمار می‌آید، مایه امتیاز شعر از نثر است (همان: ۱۶).

با این بیان می‌توان گفت شعر در جوهر خود عبارت است از موسیقی و همین نکته ناقدان متقدم را بر این داشت که «شعر را کلامی موزون و مقفی به شمار آورند» (نصار، ۱۴۲۱ ه. ق: ۳۳).

دومین مصداق این مدعا زمانی رخ می‌نماید که غبار از چهره تاریخ برداریم و آنجاست که می‌بینیم: این دو فن (شعر و موسیقی) خواستگاهی یگانه دارند؛ کلمه «شعر» عربی، هم‌خانواده کلمه «شیر» عبری است که به معنی آهنگ است. همچنین کلمه «شیر» آشوری هم به معنای ترنم بوده و هم‌خانواده الفاظ پیشین می‌باشد. لازم است اشاره شود مدلول لفظ «شاعر» در زبان آشوری «التارو» می‌باشد (نصار، ۲۰۰۱ م: ۵۶).

۳-۲. قافیه

در تعریف قافیه آورده‌اند که «قافیه در لغت به معنی از پی‌رونده (آندراج) و در اصطلاح مجموعه‌ای است از چند صامت و متحرک که در آخرین کلمه مصراع‌ها و یا ابیات تکرار می‌شود به شرطی که به یک لفظ و معنا نباشد» (ماهیار، ۱۳۸۲ ه. ش: ۲۷۱).

۳. انواع موسیقی شعر^۱

محمدرضا شفیعی کدکنی موسیقی شعر را به چهار نوع موسیقی بیرونی، درونی، کناری و معنوی تقسیم کرده است (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۳ ه. ش: ۳۹۳-۳۹۱).

- موسیقی بیرونی در وزن شعر نمود می‌یابد؛

1. poem

- موسیقی داخلی شامل تکرار، جناس و تصریح می‌شود؛
 - موسیقی کناری شامل قافیه و ردیف است و
 - موسیقی معنوی عبارت است از هماهنگی‌های معنوی درونی یک یا چند مصراع از قبیل طباق، مراعات النظیر و... .
- در این پژوهش دو قصیده سعدی شیرازی و شمس‌الدین کوفی در رثای بغداد را بر مبنای تقسیم‌بندی بالا مورد بررسی تطبیقی قرار می‌دهیم.

۳-۱. موسیقی بیرونی قصیده سعدی

شاعر نام‌آشنای دیار پارس، قصیده خود در رثای بغداد و تصویرگری بی‌نظیرش در وصف فاجعه فراموش‌نشده‌ی حمله مغول را در بحر طویل^۱ سروده است.

«بحر^۲ طویل یکی از شایع‌ترین بحرهای شعر عربی می‌باشد که از دو تفعیل متفاوت (فعولن و مفاعیلن) تشکیل شده است و به طور کلی دارای هشت تفعیل می‌باشد» (عباجی، ۱۳۷۷ ه. ش: ۴۰).

این بحر همیشه به صورت تام مورد استفاده قرار می‌گیرد، عروض آن جز در بیت مصرع همیشه مقبوض است و ضرب آن قابلیت پذیرش سه حالت متفاوت را دارد. استادان علم عروض سه حالت مختلف این بحر را در دو بیت بیان کرده‌اند:

عروض طویل قبض و ضربها صحیح و مقبوض و قد جاء بالحنف
فعولن مفاعیلن فعولن مفاعیلن و قبض فعولن فی الزحاف من الظرف

(عبداللطیف، ۱۹۹۹ م: ۱۰۶)

بحر طویل ویژگی‌های خاصی دارد.

بحری معتدل، با نغمه‌هایی نرم است که ناخودآگاه در ضمیر آدمی تأثیر خود را بر جای می‌گذارد و در عین حال نغمه‌های آن از ویژگی استحکام و عظمت و نوسانی آرام برخوردار است. این ویژگی‌ها باعث شده است تا این بحر برای پرداختن به موضوعات جدی که نیازمند نفسی طولانی است مناسب باشد (خلیفه شوشتری، ۱۳۸۷ ه. ش: ۲۳۰).

اهمیت و شهرت این بحر تا حدی است که «یکی از ناقدان بر این باور است: هرکس در بحر طویل شعری نسراید نمی‌توان نام شاعر را بر او اطلاق نمود» (معروف، ۱۳۸۵ ه. ش: ۹۶).

1. tavil

2. meter



مهم‌ترین اهداف شاعران از هنرنمایی در این بحر عبارت است از مفاخره، مدح، داستان، رثا، اعتذار، عتاب، حماسه، وصف منزلگه یار و... (حسینی، ۱۳۸۳ ه. ش: ۴۵-۴۴).
شیخ اجل، سعدی شیرازی قصیده عربی خود در رثای بغداد را در قالب بحر طویل سروده و به‌راستی که در این زمینه خوش درخشیده است:

حَبَسْتُ بِجَفْنِي الْمَدَامِ لَا تَجْرِي فَلَمَّا طَغَى الْمَاءُ اسْتَطَالَ عَلَى السَّيْرِ

(سعدی، ۱۳۷۲ ه. ش: ۶۴)

حَدْبَسْتُ / بِجَفْنِي يَكْ / مَدَامِ / ع لَا تَجْرِي

--- U / U - U / --- U / U - U

فَدَلَمَ مَا / طُ غَلَمَا / عُسْ / تَطَالَ / عَدَسْ سِجْرِي

--- U / U - U / --- U / - - U

این بیت در وزن طویل تام صحیح سروده شده و چون بیتی مصرع است، عروض آن نیز صحیح است.

نَسِيم صَبَا بَغْدَادَ بَعْدَ خَرَابِهَا تَمَنَّيْتُ لَوْ كَانَتْ تَمَرٌ عَلَى قَبْرِ

(همان)

نَسِيم م / صَبَا بَغْدَا / دَبْعَدَ / خَرَا بِهَا

- U - U / U - U / --- U / U - U

تَمَنَّيْتُ / ت لَوْ كَانَتْ / تَمَرٌ رُ / عَدَا قَبْرِ

--- U / U - U / --- U / - - U

این بیت نیز در بحر طویل تام صحیح است و طبق قاعده، بر عروض این بیت زحاف قبض عارض شده است.

لِأَنَّ هَلَكَ النَّفْسِ عِنْدَ أُولَى النَّهْيِ أَحَبُّ لَهُمْ مِنْ عَيْشٍ مُنْقَبِضِ الصَّدْرِ

(همان)

لِأَنَّ نَ / هَلَا كَنَّ نَفْ / سِ عِنْدَ / أُولَى نَ هَا

- U - U / U - U / --- U / U - U

أَحَبُّ بُ / لَ هُمْ مِنْ عَيْ / شِ مُنْقَدَّ / بِ ضِصْ صَدْرِ

--- U / U - U / --- U / U - U

چنانکه می بینیم، این بیت نیز در وزن طویل تام صحیح سروده شده است.

با این تفاسیل مشخص شد که شاعر با ذوق سرشار خود توانسته بهترین قالب را برای ابراز احساسات و مقاصد خود انتخاب کند و در کاربرد آن‌ها نیز کاملاً موفق بوده است؛ به‌ویژه وقتی بدانیم بحر طویل، که شاعر پارسی‌گوی دیار شیراز قصیدهٔ عربی خود را بر آن بنا نهاده، «از بحر خاص شعر عربی است و استعمال آن در فارسی بسیار کم‌سابقه بوده است» (حسینی، ۱۳۸۳ ه. ش: ۴۴-۴۵). این نشانهٔ توانایی زیاد سعدی در سرودن شعر به زبان عربی است.

۲-۳. موسیقی بیرونی قصیدهٔ کوفی

شمس‌الدین محمد کوفی قصیدهٔ ماندگار خود، در رثای بغداد را در قالب وزن کامل^۱ قرار داده است. بحر کامل شش تفعیله دارد و چون اجزاء و حرکاتش تمام و کمال اجرا می‌شوند، این نام زبیدهٔ این بحر است (ابن منظور، ج ۱۲، ۱۴۰۸: ۱۵۸). مهم‌ترین اهداف استفاده از این بحر عبارت‌اند از: «مدح، فخر، هجاء، رثاء و حماسه» (معروف، ۱۳۸۵: ۶۹). در ادامه، دو بیت اول این قصیده به عنوان نمونه تقطیع می‌شود و پس از آن به شرح این بحر و چگونگی استفاده شاعر از آن خواهیم پرداخت.

إِنْ لَمْ تَقْرَحْ أَدْمُعِي أَجْفَانِي مِنْ بَعْدِ بَعْدِكُمْ فَمَا أَجْفَانِي

(الکتبی، ج ۲: ۲۳۴)

إِلَمْ تَقْرَحْ أَدْمُعِي أَجْفَانِي

---/_U---/_U---

مَم بَعْد بَعْدِكُمْ فَمَا أَجْفَانِي

---/_U-U/_U---

إِنْسَانُ عَيْنِي مُدَّتْ دَارُكُمْ مَا رَاقَهُ نَظَرٌ إِلَى إِنْسَانٍ

(همان)

إِنْ سَا نَعِي نِي مَذْنَا عَتْ دَا رَكَمْ

-U---/_U---/_U---

مَا رَا قَهْوَنَظَرْنِ إِي لَّا إِنْ سَا نِي

---/_U-UU/_U---

بحر کامل از تکرار متفاعله به وجود می‌آید و شاعر می‌تواند در حین سرودن شعر در

1. kamel



این قالب از جوازات هفت‌گانه آن استفاده کند که شامل سه زحاف و چهار علت است. شمس‌الدین کوفی نیز در حشو، عروض و ضرب قصیده خود از دو زحاف و یک علت مجاز استفاده کرده است، اما در استفاده از این موارد، دو جا به اشتباه رفته است که در ادامه به بررسی و نقد جوازات شعری مورد استفاده وی می‌پردازیم.

شمس‌الدین کوفی از زحاف اضممار در این قصیده بسیار استفاده کرده است. از آنجا که این زحاف می‌تواند در حشو، عروض و ضرب پدیدار شود، می‌بینیم که شاعر بسیار از آن سود جسته است. در این زحاف تفعیلۀ مُتَفَاعِلُنْ به مُتَفَاعِلُنْ تبدیل می‌شود. زحاف و قص نیز تنها در یک مورد، آن هم در حشو بیت اول قصیده دیده می‌شود. در این زحاف مُتَفَاعِلُنْ تبدیل به مُفَاعِلُنْ می‌شود. شاعر از میان علت‌های مجاز این بحر، علت قطع را با بسامد زیادی مورد استفاده قرار داده است. در این قصیده این علت گاه به تنهایی و گاه با زحاف اضممار ترکیب و به کار گرفته شده است. شیوۀ اجرای این علت این گونه است که مُتَفَاعِلُنْ تبدیل به مُفَاعِلُنْ می‌شود و در صورت ترکیب با زحاف اضممار، به مُفَاعِلُنْ تبدیل می‌شود. نکته مهم این است که این علت فقط در ضرب این بحر قابل اجرا است، چون شاعر اگر در ضرب مطلع قصیده از این علت استفاده کند، باید در ضرب همه ابیات قصیده آن را به کار ببرد؛ در حالی که کوفی این کار را نکرده است. وی در عروض بیت اول و بیت بیست و دوم قصیده خود به اشتباه از این علت استفاده کرده است.

بیت اول:

إِنْ لَمْ تَقْرَحْ أَدْمُعِي أَجْفَانِي مِنْ بَعْدِ بَعْدِكُمْ فَمَا أَجْفَانِي

(الکتنی، ج ۲: ۲۳۴)

إ ل م ت ق ر ح أ د م ع ی أ ج ف ا ن ی

___/_U___/_U___

م م ب ع د ب ع د ک م ف م ا ج ف ا ن ی

___/_U___U/_U___

بیت بیست و دوم:

هَيْهَاتَ قَدْ عَزَّ الْقَاءُ وَسَدَّتْ طُرُقَ الْمَزَارِ طَوَارِقُ الْحَدَثَانِ

(همان)

ه ی ه ا ت ق د ع ز ل ل ق ا ء و س د د ت

__UU/_U__/_U__

ط ر قـ مـ ز ا ر ط و ا ر قـ حـ د ث ا نـی

___/_U__U/_U__UU

این‌گونه استفاده از علل در جای نامناسب از نظر علم عروض نادرست است. شاعر از این نظر که برای بیان احساس خود بحری متناسب با موضوع برگزیده است موفق بوده، اما استفاده بیجا از علت قطع، در کار او ایراد به‌شمار می‌رود. اگر شعر شاعری، نمود واقعی حالات درونی او باشد و همچنین اگر شاعر دارای قریحه و ذوق و گوش موسیقایی باشد از ابتدا، شعر با وزن متناسب خود از ذهن شاعر بیرون می‌تراود و درواقع این وضعیت روحی و روانی است که وزن را به دنبال می‌کشد نه آنکه شاعر از میان اوزان مختلف دست به گزینش بزند (حسین پور آلاشتی، ۱۳۸۷ هـ. ش: ۲۸). با توجه به آن چه در بررسی موسیقی بیرونی قصیده سعدی و شمس‌الدین کوفی گفته شد، می‌توان نتیجه گرفت که این دو شاعر بدون تصنع و تکلف و با توجه به قریحه و ذوق خود این اوزان را برای سرودن شعر به کار برده‌اند.

۳-۳. موسیقی داخلی قصیده سعدی

موسیقی داخلی قصیده عربی سعدی به غنای فضای کلی موسیقایی این قصیده کمک شایسته‌ای کرده است. جناس‌های زیبا، بدون تکلف، متنوع و پیاپی بارزترین نمونه‌های این بخش هستند.

۳-۳-۱. تکرار

منظور از تکرار، بسامد حروف و تأثیر موسیقایی آن و همچنین بررسی انتلاف حروف پربسامد با معنا و فضای کلی قصیده است.

با دقت در قصیده سعدی می‌بینیم که صامت «آ» و مصوت‌های «ر» و «س» بیشترین سهم را به خود اختصاص داده‌اند.

أدیرت کؤوس الموتِ حتّی کأنّه رؤوس الأسارى ترَجّج من السکر

(سعدی، ۱۳۷۲ هـ. ش: ۶۶)

عدا سَمراً بَینَ الأنامِ حَدِيثُهُمْ وَذا سَمَرٌ یَدْمی المَسامِعَ کالسَمَرِ

(همان: ۶۸)



أَيَا أَحْمَدُ الْمَعْصُومُ أَسْتَ بِخَاسِرٍ وَرُوحَكَ وَالْفَرْدَوْسُ عُسْرٌ مَعَ الْيُسْرِ

(همان: ۷۰)

در این سه بیت به عنوان نمونه و همچنین در تمام قصیده سعدی، بسامد صامت‌های «ر» و «س» به گونه‌ای است که فضای موسیقایی گوشنوازی را ایجاد کرده است.

مَرَرْتُ بِصُفْحِ الرَّاسِيَّاتِ أَجْوِبُهَا كَخَنَسَاءٍ مِنْ فَرْطِ الْبُكَاءِ عَلَى صَخْرِ

(همان: ۶۸)

إِلَامٌ تَصَارِيفُ الزَّمَانِ وَجَوْرُهُ تُكَلِّفُنَا مَا لَا نُطِيقُ مِنَ الْإِصْرِ

(همان: ۸۰)

يُبَالِغُ فِي الْإِنْفَاقِ وَالْعَدْلِ وَالتَّقَى مُبَالَغَةُ السَّعْدِيِّ فِي نُكْتِ الشِّعْرِ

(همان: ۸۴)

بسامد مصوت «آ» در ابیات و دیگر ابیات این قصیده، نقش به‌سزایی در آهنگین‌تر کردن کلام دارد.

هماهنگی حروف با معانی در علم بدیع با عنوان ائتلاف لفظ بامعنا شناخته می‌شود (هاشمی، ۲۰۰۶ م: ۳۳۲). به اعتقاد حسن عباس ویژگی حروف موردنظر ما از این قرار است:

- مصوت «آ»: شدت، ظهور و بروز، امتداد و بعد؛
- صامت «ر»: تکرار، تحرک، رخاوت، اضطراب، زیبایی و حرارت؛
- صامت «س»: صوت، امتداد، تحرک، انتشار، خفا و استقرار، لین، سلاست و قطع (قائمی، ۱۳۸۸ هـ. ش: ۱۱۹).

قصیده عربی سعدی نشان از اضطراب درونی شاعر و نگرانی او نسبت به سرنوشت مسلمانان دارد؛ به گونه‌ای که به دلیل ترس از دشمنان، به آرامی و در خفا، با دوستان خود نجوا می‌کند و آن‌ها را به عاقبت نیکو وعده می‌دهد.

۲-۳. جناس

جناس در انواع مختلف و متنوع خود بیشترین تأثیر را در فضای موسیقایی قصیده عربی سعدی دارد. در این قصیده جناس لفظی تام و ناقص در همه ابعاد آن، جناس مضارع و لاحق، جناس محرف و جناس اشتقاق دست به دست هم داده‌اند و حتی در برخی ابیات، ذوق

فارسی شاعر به یاری ابیات عربی شتافته و این قصیده را به عنوان اثری ماندگار در گنجینه اشعار عربی قرار داده است.

توضیح درباره انواع جناسی که این شاعر توانمند مورد استفاده قرار داده و ذکر نمونه‌هایی از آن‌ها، در این بحث نمی‌گنجد؛ لذا فقط به ذکر بعضی از آن‌ها بسنده می‌کنیم:

فَجَرْتُ^(۱) مِیَاهُ الْعَيْنِ فَازْدَدْتُ حُرْقَةً^(۲) كَمَا احْتَرَقْتُ^(۳) جَوْفَ اللَّمَامِيلِ بِالْفَجْرِ^(۴)

(سعدی، ۱۳۷۲ هـ ش: ۶۸)

در این بیت دو مورد جناس اشتقاق وجود دارد که با شماره‌گذاری مشخص شده‌اند.

مَحَاجِرَ تَكَلَّى بِالسُّمُوعِ كَرِيمَةٍ وَ إِنِ بَخِلْتُ عَيْنُ الْغَمَائِمِ بِالْقَطْرِ
نَعُوذُ بِعَفْوِ اللَّهِ مِنْ نَارِ قَتَسَةٍ تَأْجِجُ مِنْ قَطْرِ الْبِلَادِ إِلَى قَطْرِ
كَأَنَّ شَيَاطِينَ الْقِيُودِ تَفَلَّتَتْ فَسَالَ عَلَى بَغْدَادَ عَيْنٌ مِنَ الْقَطْرِ

(همان: ۸۰-۷۸)

در کلمات مشخص شده آخر ابیات جناس محرف وجود دارد.

سَوَاءٌ إِذَا مَا مِتُّ^(۱) وَانْقَطَعَ الْمُنَى أَمْخَزَنُ تِبْنٍ^(۲) بَعْدَ مَوْتِكَ^(۳) أَمْ تَبْرٍ^(۴)

(همان: ۸۸)

در این بیت میان مِتُّ و مَوْتِكَ جناس اشتقاق وجود دارد و میان تِبْنٍ و تَبْرٍ جناس مضارع رخ داده است، زیرا لام و نون حروف قریب‌المخرج هستند.

۳-۴. موسیقی داخلی قصیده کوفی

موسیقی داخلی در قصیده شمس‌الدین کوفی نقشی به‌سزا دارد و به بهترین صورت در خدمت بیان احساس و سوز دل این شاعر قرار گرفته است. در این بخش فضایی را که از تکرار و جناس به وجود می‌آید بررسی می‌کنیم.

۳-۴-۱. تکرار

تکرار از جنبه‌های مختلف مورد بررسی قرار می‌گیرد که ما در این نوشته تنها به دو بخش تکرار الفاظ و بسامد بعضی از حروف و تأثیر موسیقایی آن‌ها می‌پردازیم.



تکرار کلمات در اثنای کلام همیشه جذابیت و زیبایی خاصی به بیت می‌بخشد که به دلیل بهره‌مندی شاعر از ذوق سلیم، خوانندگان و شنوندگان کلامش از چشیدن این هنر بهره‌مند می‌شوند. برای نمونه به چند بیت آن اشاره می‌کنیم:

مَا لِلْمَنَازِلِ أَصْبَحَتْ لَا أَهْلَهَا (۱) أَهْلِي (۱) وَلَا جِيرَانَهَا (۲) جِيرَانِي (۲)

(الکتابی، ج ۲: ۲۳۴)

حَتَّى رَأَى لِي كُلَّ مَنْ لَا وَجْدَهُ (۳) وَجْدِي (۳) وَلَا أَشْجَانَهُ (۴) أَشْجَانِي (۴)

(همان)

کلمات در هر زبانی از صامت‌ها و مصوت‌های مختلف به وجود می‌آیند. گاه بسامد زیبایی صامت‌ها و مصوت‌ها ارزش موسیقایی کلام را به اوج می‌رسانند. این نوع تکرار در عرف ادبی با عنوان هم‌حرفی (تکرار یک صامت با بسامد زیاد در جمله) و هم‌صدایی (تکرار یا توزیع مصوت در کلمات) شناخته می‌شود (شمیسا، ۱۳۸۳ ه. ش: ۷۹-۸۰).

با اندکی تأمل در قصیده زیبای کوفی می‌بینیم که مصوت‌های «آ»، «ای» و «او» فضای موسیقایی شگرفی را در سرتاسر این اثر ماندگار رقم زده‌اند:

مَا لِي وَلِأَيَّامٍ شَتَّتْ صَرْفَهَا حَالِي وَ خَلَانِي بِلا خُلَانِي

(الکتابی، ج ۲: ۲۳۴)

إِنْ نَحْنُ نَغْتَنِمُ الزَّمَانَ وَنَجْتَنِي بَيْدِ الْأَمَانِ قُطُوفَ كُلِّ أَمَانِي

(همان)

گاهی نوع چینش حروف و ویژگی صوتی و معنایی آن‌ها به تنهایی نمایانگر احساس درونی گوینده و بیانگر فضای متن است؛ به عنوان مثال هنگامی که خداوند متعال به تصویرگری وقایع قیامت می‌پردازد، نقش حروف در ترسیم فضای آن هنگامه هولناک، بیش از پیش نمود می‌یابد. مثلاً در سوره مبارکه زلزال، آیه «إِنَّا زَلَزَلْنَا الْأَرْضَ زَلْزَالَهَا» (زلزال: ۱) صامت «ز» اضطراب، شدت و تکانه‌های رانش زمین را در ذهن تداعی می‌کند و در سوره مبارکه قارعه، آیه «القارعة ما القارعة و ما أدراك ما القارعة» (قارعه: ۱-۳). صامت «ق» کوبندگی و سنگینی آن هنگامه را به تصویر می‌کشد.

نکته جالب درباره مصوت‌های پربسامد این قصیده این است که وقتی شاعر سرگشته و حیران به خرابه‌های بغداد می‌نگرد و آه حسرت از نهادش برمی‌خیزد، تکرار مصوت «ای» بیشتر می‌شود.

مَا لِي وَلِلْأَيَّامِ شَتَّتْ صَرْفُهَا حَالِي وَخَلَانِي بِإِلَا خُلَانِي
مَا لِلْمَنَازِلِ أَصْنَحَتْ لَا أَهْلُهَا أَهْلِي وَلَا جِيرَانُهَا جِيرَانِي
وَحَيَاتِكُمْ مَا حَلَّهَا مِنْ بَعْدِكُمْ غَيْرَ الْبَلَى وَالْهَدْمِ وَالنَّيْرَانِ

(الکتنی، ج ۲: ۲۳۴)

اما آنگاه که چشم را بر حقایق می‌بندد و سعی می‌کند گذشته شیرین را به یاد آورد، مصوت «او» نقش بارزتری پیدا می‌کند؛ گویی ضم و اغماض چشمان شاعر حرکات را نیز تبدیل به ضمه می‌کند:

إِذْ نَحْنُ نَغْتَنِمُ الزَّمَانَ وَنَجْتَنِي بَيْدِ الْأَمَانِ قُطُوفَ كُلِّ أَمَانِي
وَالدَّهْرُ تَخْدُمُنَا جَمِيعُ صُرُوفِهِ وَالْوَقْتُ يَعْدِينَا عَلَى الْعُدُونِ
وَالْعَيْشُ غَضٌّ وَالْدُّنُو مُمَزَّقٌ بَيْدِ الْوِصَالِ مَلَابِسَ الْهَجْرَانِ

(همان)

این قصیده سرشار از احساس صمیمیت، رقت و انسان دوستی است که در همه جای آن، شاعر نوع دوستمان، اشک خون از دیدگان می‌افشاند. اضطراب، شدت و دلهره در فضای آکنده از رعب و وحشت آن دوران نیز به خوبی مشهود است و نشان از ضعف سیاسی و نظامی مسلمانان در برابر هجوم وحشیانه مغول دارد. این تأثیر موسیقایی حروف در همه جای این قصیده ماندگار است.

جدول ۱ تعداد تکرار صامت‌ها و مصوت‌ها در قصیده سعدی و کوفی

قصیده	صامت / مصوت مورد نظر	تعداد تکرار در ابیات	درصد تکرار در ابیات قصیده
سعدی شیرازی	مصوت راء	۹۲	٪۱۰۰
	مصوت سین	۶۴	٪۶۹/۵
	صامت آ	۹۱	٪۹۸/۹
شمس الدین کوفی	صامت او	۱۲	٪۴۴/۴
	صامت ای	۲۷	٪۱۰۰
	صامت آ	۲۷	٪۱۰۰



۲-۴-۳. جناس

جناس یکی از صنایع بدیعی است که «در سطح کلمات یا جملات، هماهنگی و موسیقی به وجود می‌آورد و یا موسیقی کلام را افزون می‌کند» (شمیسا، ۱۳۸۳ ه. ش: ۵۳). شمس‌الدین کوفی از این صنعت برای غنای موسیقی قصیده خود به خوبی استفاده کرده است. وی در این قصیده از انواع مختلف جناس مانند جناس تام، مضارع، محرف، مصحف و اشتقاق استفاده کرده است که در ادامه به تعدادی از آن‌ها اشاره خواهیم کرد:

إِنْ لَمْ تَقْرَحْ أَدْمُعِي أَجْفَانِي مِنْ بَعْدِ بُعْدِكُمْ فَمَا أَجْفَانِي
إِنْسَانٌ عَيْنِي مُدُّ تَنَاءَتْ دَارُكُمْ مَا رَاقَهُ نَظَرٌ إِلَى إِنْسَانٍ

(الکتبی، ج ۲: ۲۳۴)

در دو بیت موردنظر کلمات أجفان و إنسان هریک دو بار و هربار به یک معنی به کار رفته‌اند؛ این موارد نمونه‌هایی برای جناس تام هستند.

وَسَأَلْتُهَا لَكِنْ بَغَيْرِ تَكْلَمٍ فَتَكَلَّمْتُ لَكِنْ بَغَيْرِ لِسَانٍ

(همان)

کلمه تکلم، اسم و تکلمت، فعل است، بنابراین جناس بین این دو کلمه جناس اشتقاق شمار می‌روند.

نَادَيْتُهَا يَا دَارُ مَا صَنَعَ الْأَوَّلَى كَانُوا هُمُ الْأَوَطَارَ فِي الْأَوْطَانِ

(همان)

قَالَتْ غَدُوا لَمَّا تَبَدَّدَ شَمْلُهُمْ وَتَبَدَّلُوا مِنْ عِزِّهِمْ بِهَوَانٍ

(همان)

در دو بیت بالا، کلمات الأوطار و الأوطان و همچنین تبدد و تبدل مثال‌هایی برای جناس مضارع هستند، زیرا راء و نون هم‌مخرج‌اند و دال و لام قریب‌المخرج؛ لذا طبق قاعده جناس نشان داده می‌شود، مضارع به شمار می‌روند.

جدول ۲ تعداد جناس‌های به‌کاررفته در قصیده سعدی و کوفی

قصیده	تعداد جناس تام	تعداد جناس ناقص
سعدی شیرازی	۵	۱۶
شمس‌الدین کوفی	۲	۹

۵-۳. موسیقی کناری قصیده سعدی

در مبحث موسیقی کناری، آنچه بیشتر مورد بررسی قرار می‌گیرد، مقوله قافیه و ردیف است. از آنجا که هیچ‌یک از این دو قصیده ردیف ندارند، در این بحث فقط به مبحث قافیه می‌پردازیم. حرف روی قصیده عربی سعدی، «ر» است که پس از آن حرکت کسره به صورت اشباع‌شده تلفظ می‌شود و گاه حرف «ی» متکلم پس از حرف روی آمده است که طبق قاعده، وجود این حرف (یاء متکلم) هیچ عیبی ندارد.

حَبَسْتُ بِجَفْنِي الْمَدَامِ لَا تَجْرِي فَلَمَّا طَغَى الْمَاءُ اسْتَطَالَ عَلَى السِّكْرِ
نَسِيم صَبَا بَغْدَادَ بَعْدَ خَرَابِهَا تَمَنِّيْتُ لَوْ كَانَتْ تَمُرُّ عَلَى قَبْرِی

(سعدی، ۱۳۷۲ هـ ش: ۶۴)

در قصیده عربی سعدی عیب قافیۀ «الاجازه» وجود دارد.

اجازه، «اختلاف حروف روی با حروف بعیدالمخرج است، مثل میم و لام در «قدیم و قلیل» (معروف، ۱۳۸۵ هـ. ش: ۱۹۵). بیت‌های ۴، ۲، ۴۷، ۵۹، ۶۰ و ۸۲ این قصیده عیب اجازه دارند؛ به گونه‌ای که در همه آن‌ها فعل‌هایی مختوم به یاء آمده که برخلاف یاء متکلم، صلاحیت روی شدن را دارد و نسبت به حرف «ر» بعیدالمخرج به شمار می‌آید، زیرا به گفته قمحای، حرف «ر» از سر زبان، مایل به روی آن با لثه و کام بالا ادا می‌شود و آن را نلفظی می‌نامند؛ حال آن که حروف سه‌گانه مد از خلأ و فضای اندرون دهان و گلو بیرون می‌آیند و به حروف جوفی مشهورند (قمحای، ۱۳۸۱ هـ. ش: ۹۶۹-۹۹). در ادامه چند نمونه از عیب اجازه در قصیده عربی سعدی را ذکر می‌کنیم:

زَجَرْتُ طَبِيبًا جَسَّ نَبْضِي مُدَاوِيًّا إِلَيْكَ فَمَا شَكَاوِي مِنْ مَرَضِ بِيْرِي

(سعدی، ۱۳۷۲ هـ ش: ۶۶)

أَلَا إِنَّمَا الْأَيَّامُ تَرْجِعُ بِالْعَطَا وَلَمْ تَكْسُ إِلَّا بَعْدَ كِسْوَتِهَا تُعْرِی

(همان: ۸۰)

وَرَاءَكَ يَا مَغْرُورُ خَنْجَرُ فَاتِكِ وَأَنْتَ مُطَاطِرٌ لَا تُفِيْقُ وَلَا تُدْرِی

(همان: ۸۰)



۳-۶. موسیقی کناری قصیده کوفی

حروف قافیه بالغ بر نه حرف است و شش حرکت دارند. در قصیده شمس‌الدین کوفی دو حرف روی و ردف و حرکت حذو به کار رفته است. در ادامه به تعریف این حروف و حرکت می‌پردازیم و در قصیده وی نمایانده می‌شوند.

• حرف روی: این حرف «آخرین حرف اصلی از حروف همسان در پایان کلمات قافیه است» (همان: ۲۷۲).

• حرف ردف: «حروف مد و لین «آ» و «او» و «ای» که پیش از حرف روی بیاید یا به فاصله یک حرف ساکن پیش از حرف روی واقع شود ردف اصلی نامیده می‌شود» (همان: ۲۷۶).

• حرکت حذو: حرکت حرف پیش از ردف و قید را حذو گویند (همان: ۲۸۳).
با در نظر گرفتن تعاریف ارائه‌شده به مشخص کردن هریک از حروف و حرکات مذکور در قصیده کوفی می‌پردازیم

إِنْ لَمْ تَقْرَحْ أَلَمْ تُعَيِّ أَحْفَانِي مِنْ بَعْدِ بُعْدِكُمْ فَمَا أَحْفَانِي
إِنْ سَأَنْ عَيْنِي مُدَّ تَنَاءَتْ دَارُكُمْ مَا رَاقَهُ نَظَرُ إِلَى إِنْسَانِ

(الکتبی، ج ۲: ۲۳۴)

حرف روی این قصیده «ن» است. پیش از حرف روی حرف مد «آ» آمده که بنابر تعاریف ارائه‌شده، حرف ردف اصلی این قافیه است و پیش از حرف ردف اصلی حرکت فتنه وجود دارد که حرکت حذو نامیده می‌شود. قافیه‌های این قصیده به آهنگین‌تر شدن آن افزوده‌اند، اما دو عیب^۱ از عیوب قافیه در قصیده شمس‌الدین کوفی وجود دارد که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود.

اولین عیب، عیب اجازه^۲ است که در ابیات ۱۸ و ۱۹ و ۲۴ قصیده کوفی وجود دارد:

أَتُرَى تَعُودُ الدَّارُ تَجْمَعُنَا كَمَا كُنَّا بِكُلِّ مَسَرَّةٍ وَتَهَانِي
إِنْ نَحْنُ نَغْتَنِمُ الزَّمَانَ وَنَجْتَنِي بَيْدِ الْأَمَانِ قُطُوفَ كُلِّ أَمَانِي
وَأَلْهَفْتِي، وَأَوْحَدْتِي، وَأَحْيَرْتِي وَأَوْحَشْتِي، وَأَحْرَقَلْبِي الْعَانِي

(همان)

1. error
2. ejazeh

پیش از این اشاره شد که چنانچه حرف یاء غیراصلی باشد، حرف روی محسوب نمی‌شود، اما اگر از اصل کلمه باشد، حرف روی به‌شمار می‌رود. در سه بیت موردنظر لفظ تهانی از ریشه هتأ (معلوف، ج ۲، ۱۳۸۷: ۲۳۰۵)، لفظ أمانی از ریشه منی (همان: ۱۹۵۳) و لفظ العانی از ریشه عنو (همان: ۱۳۶۱) هستند؛ بنابراین حرف یاء در هر سه مورد، جزء اصل کلمه است و چون نسبت به حرف روی قصیده - حرف نون - بعیدالمخرج است، عیب اجازه رخ داده است. شمس‌الدین کوفی علاوه بر این عیب قافیه، در قصیده خود عیب اصراف^۱ را نیز بر جای گذاشته است. «این عیب در صورتی اتفاق می‌افتد که اختلاف بین حرکت حرف روی رخ دهد. مثلاً حرکت کسره تبدیل به فتحه یا ضمه شود» (معروف، ۱۳۸۵: ۱۹۲). عیب مذکور در بیت بیست و ششم قصیده شاعر کوفی رخ داده است.

مَا لِي أُنِيسُ بَعْدَكُمْ إِلَّا الْبُكَاءُ وَالنُّوْحَ وَالْحَسْرَاتِ وَالْأَحْزَانَ

(الکتبی، ج ۲: ۲۳۴)

نصب مستثنی منقطع واجب است (شرتونی، ج ۴، ۱۳۸۵: ۳۲۴)، لذا در بیت بیست و ششم الأحران واجب‌النصب است و از این نظر که حرکت حرف روی این قصیده کسره است، در این بیت اختلاف حرکت حرف روی رخ می‌دهد و اینجا است که عیب دوم قافیه شمس‌الدین کوفی، یعنی عیب اصراف، رخ می‌نماید.

۳-۷. موسیقی معنوی قصیده سعدی

در بحث موسیقی معنوی، تقارن‌ها، تشابهات و تضادها موردتوجه قرار می‌گیرند؛ زیرا ارتباط‌های پنهان عناصر موجود در یک مصراع یا بیت، اجزای موسیقی معنوی آن را به‌وجود می‌آورند. در این بحث به بررسی نمونه‌هایی از این تقارن‌ها، تشابهات و تضادها می‌پردازیم.

۳-۷-۱. مراعات‌النظیر

مراعات‌النظیر از جمله «صناعی است که ژرف‌ساخت آن‌ها تناسب معنایی بین اجزای کلام است» (شمیسا، ۱۳۸۳ ه. ش: ۱۱۵) و این صفت عربی زمانی به وجود می‌آید که «برخی از واژه‌های کلام، اجزایی از یک کل باشند و از این جهت بین آن‌ها ارتباط و تناسب باشد» (همان).

1. esraf



این صنعت در قصیده سعدی نمودی بارز دارد. در ذیل به چند بیت قصیده عربی سعدی اشاره می‌شود که در بردارنده این صنعت هستند.

رَجَرْتُ طَبِيبًا جَسْنَ نَبْضِي مُدَاوِيًّا إِلَيْكَ فَمَا شَكَاوِي مِنْ مَرَضٍ بَيْرِي

(سعدی، ۱۳۷۲ ه. ش: ۶۶)

در این بیت، مراعات‌النظیر بین کلماتی است که به نحوی با بیماری و مداوای آن مرتبط‌اند. صنعت موردنظر در بیت بعد در مورد مکه و کعبه است که می‌توان به جرئت تلاش سعدی در استفاده زیبا از این صنعت را ستود.

لَقَدْ تَكَلَّمْتُ أُمَّ الْقُرَى وَلِكَعْبَةٍ مَدَامُعُ فِي الْمِيزَابِ تَسْكُبُ فِي الْحَجَرِ

(همان)

این صنعت در بیت هفتاد و ششم با اجتماع کلماتی به وجود می‌آید که نشان از رویش و سرسبزی دارند:

كَذَلِكَ تَنْشَأُ لَيْنُهُ هُوَ عَرَقُهَا وَحُسْنُ نَبَاتِ الْأَرْضِ مِنْ كَرَمِ الْبَذْرِ

(همان: ۸۲)

۲-۳. تضاد

این صنعت هنگامی به وجود می‌آید که «بین معنی دو یا چند لفظ تناسب تضاد (تناسب منفی) باشد، یعنی کلمات از نظر معنی، عکس و ضد هم باشند» (شمیسا، ۱۳۸۳ ه. ش: ۱۱۷). انواع گوناگون صنعت طباق از قبیل: تضاد دو اسم و تضاد اسم و فعل، به وفور در این قصیده دیده می‌شود که برای نمونه به چند بیت زیر اشاره می‌کنیم:

نَوَائِبُ دَهْرٍ لَبِيتَنِي مِنْ قَبْلِهَا وَ لَمْ أَرَ عُدْوَانَ السَّقْفِيهِ عَلَى الْحَبْرِ

(همان: ۶۶)

در این بیت تضاد بین دو اسم (السَّقْفِيهِ و الْحَبْرِ) است و در بیت بعدی این صفت بین فعل و اسم صورت گرفته است.

رَبِحَتِ الْهُدَى إِنْ كُنْتَ عَامِلَ صَالِحٍ وَإِنْ لَمْ تَكُنْ وَالْعَصْرِ إِنَّكَ فِي خُسْرِ

(همان: ۸۲)

إِذَا كَانَ لِلْإِنْسَانِ عِنْدَ خُطُوبِهِ يَزُولُ الْغِنَى، طُوبَى لِمَمْلَكَةِ الْفَقْرِ

(همان: ۸۰)

در مثال آخر، بین لفظ الْغِنَى و الْفَقْرِ تضاد وجود دارد.

۳-۷-۳. تنسيق الصفات

صنعت تنسيق الصفات در صورتی پدیدار می‌شود که «برای یک اسم، صفات متوالی بیاورند یا برای یک فعل قیود مختلف ذکر کنند» (شمیسا، ۱۳۸۳ ه. ش: ۱۶۸)؛ مانند این شعر زیبای فروغ فرخزاد:

چگونه می‌شود به آن کسی که می‌رود این سان

صبور * سنگین * سرگردان * فرمان ایست داد (حقوقی، ۱۳۸۴ ه. ش: ۲۶۲).

این صنعت نیز به نوبه خود در قصیده شاعر، پرتوافشانی می‌کند. برای نمونه به دو بیت که دارای این صفت هستند، اشاره می‌شود.

و سائرُ مُلْكِ يَتَقَفِيهِ زَوَالُهُ سِوَى مُلْكُوتِ الْقَائِمِ الصَّمَدِ الْوَتَرِ

(سعدی، ۱۳۷۲: ۸۰)

مَلِيكَ غَدَا فِي كُلِّ بَلَدَةٍ اسْمُهُ عَزِيزًا وَ مُحِبُّوهُ كَيُوسُفَ فِي مِصْرٍ

(همان: ۸۲)

در هریک از ابیات بالا، به ترتیب سه و دو صفت برای اسم‌های پیش از آن‌ها آمده است که نشان‌دهنده توان ادبی فراوان شاعر پارسی‌گوی دیار شیراز است.

۳-۸. موسیقی معنوی قصیده کوفی

قصیده شمس‌الدین کوفی نیز بهره‌ای فراوان از این نوع موسیقی دارد و ابعاد مختلف آن در همه ابیات آن مشهود است که به بیان بخشی از آن‌ها بسنده می‌کنیم.

۳-۸-۱. مراعات النظیر

در قصیده شمس‌الدین کوفی چندین مورد از این صنعت دیده می‌شود که ما به ذکر دو مورد از آن‌ها اکتفا می‌کنیم:



كَانُوا نُجُومَ مَنْ اقْتَدَى فَعَلَيْهِمْ يَبْكِي الْهُدَى وَشَعَائِرُ الْإِيمَانِ

(الکتبی، ج ۲: ۲۳۴)

در این بیت مراعات النظیر بین کلمات دربردارندهٔ دینی است.

سِرُّكُمْ فَلَا سَرَّ النَّسِيمِ وَلَا رَهَا زَهْرٌ وَلَا مَاسَتْ غُصُونُ الْبَانِ

(همان)

در این بیت نیز جمع شدن واژگانی که سراسر طراوت و حیات اند، صنعت مراعات النظیر را آفریده است و شاعر قصد دارد با آوردن این عناصر در کنار هم، غم، جمود و خمود پس از حمله مغول را بیش از پیش به تصویر بکشد.

۲-۸-۳. تضاد

این صنعت نیز در اشعار کوفی دیده می شود و به نوبهٔ خود فضای موسیقایی آن ها را دلنشین تر کرده است.

أُتِنَ الَّذِينَ عَاهَدْتُهُمْ وَلِعِزَّهُمْ نَلَا تَخِرُّ مَعَاقِدُ التَّيْجَانِ

(الکتبی، ج ۲: ۲۳۴)

كَدَمِ الْفَصَادِ يُرَاقُ أُرْدَلِ مَوْضِعِ أَبْدَأُ وَيَخْرُجُ مِنْ أَعَزِّ مَكَانِ

(همان)

در دو بیت قبل تضاد در کلمات عز و ذل و همچنین اردل و اعز وجود دارد.

وَالْعَيْشُ غَضٌّ وَالْدُّنُو مُمَزَّقٌ بِيَدِ الْوَصَالِ مَلَابِسُ الْهَجْرَانِ

(همان)

در این بیت نیز میان وصال و هجران صنعت تضاد وجود دارد.

آمار ابعاد مورد بحث در موسیقی معنوی قصیدهٔ سعدی و کوفی در رثای بغداد در جدول ۳ تجلی می یابد:

جدول ۳ آمار ابعاد مورد بحث در موسیقی معنوی قصیدهٔ سعدی و کوفی

قصیده	مراعات النظیر	تضاد	تنسيق الصفات
سعدی شیرازی	۱۳	۱۴	۴
شمس الدین کوفی	۷	۶	-

۴. نتیجه‌گیری

با بررسی فضای موسیقایی دو قصیده سعدی شیرازی و شمس‌الدین کوفی در رثای بغداد نتایج زیر به دست می‌آید:

۱. علاوه بر صداقت و اخلاص این دو شاعر نوع دوست، یکی از عوامل جاودانگی سروده‌هایشان، فضای موسیقایی جذاب و دلکش آن‌ها است؛ فضایی که وقایع غم‌آلود هجوم مغول را به‌خوبی به تصویر می‌کشد.

۲. در بحث موسیقی بیرونی مشخص شد که سعدی شیرازی بحر طویل و شمس‌الدین کوفی بحر کامل را به عنوان قالب‌های شعری خود برگزیده‌اند. این قالب‌ها برای رثا مناسب هستند و از اصالت عربی برخوردارند.

۳. در مبحث موسیقی داخلی به بررسی دو عنصر تکرار و جناس در قصیده هریک از شاعران پرداخته شده است. در قصیده سعدی مصوت «ر» در تمام ۹۲ بیت قصیده، مصوت «س» در ۶۴ بیت و صامت «آ» در ۹۱ بیت قصیده وی تکرار شده است؛ بنابراین تکرار در ۸۱/۱ درصد قصیده سعدی وجود دارد. در قصیده کوفی صامت «او» در ۱۲ بیت و صامت‌های «ای» و «آ» در تمام ۲۷ بیت، یعنی ۸۹/۸۳ درصد قصیده وی تکرار شده‌اند. در قصیده سعدی ۵ مورد جناس تام و ۱۶ مورد جناس ناقص وجود دارد اما در قصیده کوفی ۲ مورد جناس تام و ۹ مورد جناس ناقص دیده می‌شود. نسبت کاربرد این صنعت در قصیده کوفی به قصیده سعدی به ترتیب ۴۰/۷۴ درصد به ۲۲/۸۲ درصد است. نتیجه این است که به علت طولانی‌تر بودن قصیده سعدی نسبت به قصیده کوفی کاربرد این صنایع از نگاه تعداد دفعات ورود آن‌ها در قصاید مورد بحث، بیشتر به چشم می‌آید، اما از نظر کاربرد این صنایع با توجه به تعداد ابیات، قصیده کوفی درصد بیشتری را به خود اختصاص داده است.

۴. در بحث موسیقی کناری نیز به بررسی قافیه دو قصیده مورد بحث توجه شده است و نتیجه گرفتیم که در قصیده سعدی حرف «راء»، حرف روی است و در قصیده کوفی «نون» این نقش را دارد. در این میان قافیه در قصیده سعدی عیب اجازه دارد و کوفی با دو عیب اجازه و اصراف روبه‌رو شده است.

۵. در بحث موسیقی معنوی، مراعات‌النظیر، تضاد و تنسیق‌الصفات در این قصاید مورد بررسی قرار گرفت. نسبت کاربرد هریک از این موارد به ترتیب در قصیده سعدی و کوفی از



این قرار است: مراعات النظیر: ۱۳ به ۷، تضاد ۱۴ به ۶ و تنسیق الصفات ۴ به صفر درصد کاربرد این صنایع با توجه به تعداد ابیات قصیده سعدی و کوفی به این ترتیب می‌باشد: ۱۱/۲۲ به ۱۶/۰۴.

۶. نکته دیگر که قابل توجه است، نفس طولانی سعدی در سرودن قصیده ۹۲ بیتی در رثای بغداد است که فاصله او را با شمس‌الدین کوفی و قصیده ۲۷ بیتی وی زیاد کرده است. با این اوصاف قصیده سعدی کمتر مورد توجه قرار گرفته و قصیده شمس‌الدین کوفی از اقبال، اعتبار و شهرت بیشتری برخوردار شده است. امید است این پژوهش توانسته باشد در شناساندن این قصیده سعدی و دیگر قصاید عربی وی مؤثر باشد و راه را برای پژوهش محققان دیگر هموار کرده باشد.

۵. منابع

- قرآن کریم.
- الایوبی، یاسین. (۱۴۱۵ ه. ق). *آفاق الشعر العربی فی العصر المملوکی*. الطبعة الأولى. طرابلس: جروس برس.
- الجمیعی، عوض بن معیوض. (۱۳۸۳ ه. ش). «العلاقات الأدبية بین الثقافتین العربیة و الفارسیة: سعدی الشیرازی نموذجاً». *آفاق الحضارة*. العدد الرابع عشر.
- حسین‌پور آلاشتی، حسین. (۱۳۸۷ ه. ش). «عناصر سبک‌ساز در موسیقی شعر فروغ فرخزاد». *مجله زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سیستان و بلوچستان*. س ۶.
- حسینی، حمید. (۱۳۸۳ ه. ش). *عروض و قافیه عربی*. چ ۱. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- حقوقی، محمد. (۱۳۸۴ ه. ش). *شعر فروغ فرخزاد از آغاز تا امروز*. چ ۹. تهران: انتشارات نگاه.
- خلیفه شوشتری، محمد ابراهیم. (۱۳۸۷ ه. ش). *الجامع فی العروض العربی بین النظرية والتطبيق*. الطبعة الأولى. طهران: سمت.
- سعدی، مصلح‌الدین، (۱۳۷۲ ه. ش). *شعرهای عربی سعدی شیرازی*، تصحیح انتقادی و

- ترجمه مؤید شیرازی، چ ۱. شیراز: مرکز نشر دانشگاه شیراز.
- سعدی، مصلح‌الدین. (۱۳۸۵ ه. ش). *کلیات سعدی* از روی نسخه تصحیح‌شده محمد علی فروغی. چ ۹. تهران: ققنوس.
 - شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۷۳ ه. ش). *موسیقی شعر*. چ ۴. تهران: آگاه.
 - شمیسا، سیروس. (۱۳۸۳ ه. ش). *نگاهی تازه به بدیع*. چ ۱۴. تهران: انتشارات فردوس.
 - طهماسبی، طغرل. (۱۳۸۰ ه. ش). *موسیقی در ادبیات*. چ ۱. تهران: رهام.
 - عباچی، آبانر. (۱۳۷۷ ه. ش). *علوم البلاغة فی البدیع و العروض و القافیه. الطبعة الأولى*. طهران: سمت.
 - عبداللطیف، محمد حماسة. (۱۹۹۹ م)، *البناء العروضی للقصيدة العربية. الطبعة الأولى*. القاهرة: دارالشروق.
 - قائمی، مرتضی. (۱۳۸۸ ه. ش). «فضای موسیقایی معلقه امرؤ القیس». *مجله علمی و پژوهشی انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی*. ش ۱۲. تهران: شرکت چاپ و نشر بازگانی.
 - قمحاوی، محمد صادق. (۱۳۸۱ ه. ش). *تجوید قرآن کریم*. ترجمه سید محمدباقر حجتی. چ ۱. تهران: سمت.
 - الکتبی، محمد بن شاکر. (د. ت) *فوات الوفیات*. المجلد الثاني. تحقیق إحسان عباس. د. ط. بیروت: دارصادر.
 - ماهیار، عباس. (۱۳۸۲ ه. ش). *عروض فارسی*. چ ۶. تهران: نشر قطره.
 - محیط طباطبایی، محمد. (۱۳۶۴ ه. ش). *نکر جمیل سعدی*، مجموعه مقالات و اشعار به مناسبت بزرگداشت هشتصدمین سالگرد تولد شیخ اجل سعدی علیه‌الرحمة، ج ۳، گردآوری کمیسیون ملی یونسکو، ویرایش و انتشار اداره کل انتشارات و تبلیغات وزارت ارشاد اسلامی. چ ۱.
 - معروف، یحیی. (۱۳۸۵ ه. ش). *العروض العربی البسیط*. د. ط. طهران: سمت.
 - معلوف، لويس، (۱۳۸۷ ه. ش)، *المنجد*، ترجمه احمد سیاح. چ ۷. تهران: انتشارات اسلام.
 - ابن منظور، ابوالفضل جمال‌الدین محمد بن مکرم. (۱۴۰۸ ه. ق) *لسان العرب*. بیروت: دار



إحياء التراث العربی.

- نصار، حسین. (۲۰۰۱م)، *فی الشعر العربی*. الطبعة الأولى. مكتبة الثقافة الدينية.
- نصار، حسین. (۱۴۲۱ هـ. ق)، *الثقافة فی العروض والأدب*. الطبعة الأولى. مكتبة الثقافة الدينية.
- هاشمی، أحمد. (۲۰۰۶م). *جواهر البلاغة فی المعانی و البیان و البديع*. بیروت: مؤسسة الكتب الثقافية.
- یوسف، خالد ابراهیم. (۲۰۰۳م). *الشعر العربی أيام المماليك ومن عاصرهم من ذوی السلطان*. الطبعة الأولى. بیروت: دار النهضة العربية.